

نفر اول: خو همی شروع میکنیم که وقت که شما طفل بودید ده افغانستان یاد شما است که ده کدام مکتب درس خواندی؟

نفر دوم: بلی بلی ده مکتب تندور سازی ده شور بازار بودم تندور سازی مکتب خواندم و همراهی اونجه بیمرور میبود نیمروز مکتب میرفتیم و نیمروز ده سکول خود مثلی آلی که گپ زدم ده دنتار پنجابی میخواندم و همراهی افغانستان بسیار محبت بوده مقصد مقصد تندور سازی بود تندور سازی مکتب بود.

نفر اول: باز خانه شما هم در تندور سازی بود؟

نفر دوم: نزدیک بود نزدیک شور بازار نزدیک بود یک ده دقه پنج دقه پای پیاده میرفتم میامدم باز دیگه اونجا که است یک ساعت باد چاریکار یک ساعت دو ساعت باد میبودن ده باغ های ما بودن

خو در چاریکار باغ های شما بود...؟

بلی چاریکار وقت که گرمی میشد دو ماه سه ماه ده مکتب رخصتی میبود باز میرفتیم ده باغ ها زندگی میکردم قلعه ها بودن کلان کلان قلعه کاکایم ما بودن فامیل ما یادم است او وقت بعد از پنج ساله شش سال باد یادم است همان چیزها.

نفر اول: باز ده تابستان طرف چاریکار میرفتی؟

نفر دوم: بلی دو ماه سه ماه اونجه انگور چینی میکردم باغا باغ های کلان کلان باغ بود. باز ده باغ ها میرفتیم زندگی میکردیم ده جویا غسل میکنیم همراهی اطفال بازی میکردیم ده افغانستان بسیار یادم است

نفر اول: باز ده چاریکار سیک ها آمدن دوست های مسلمانا بود؟

نفر دوم: بلی ما که ده چاریکار میرفتم ده اونجه دوتا سیک هم بودن ده اوغانستان کابل سیک ها زیاد بودن اونجا باز یگان یک انجمن میباشن ده چاریکار بودن باد از چاریکار پیشی گبهار دیلا سوک میگن اونجه باز کم افغانستان سیک ها بودن. ده چاریکار سیک زیاد بودن ده اطراف کم بودن ده کابل ضیاف بودن در مسال بودن.

نفر اول: باز زمانیکه شما همی مکتب میرفتی ده امو قسمت کابل چندتا گدواره بودن؟

نفر دوم: بودن یک گدواره ده شور بازار گورحر صاحب بوده یکی دیگه خال صاحب گدواره بود و دیگه گدواره بابیه سیچند گدواره نزدیک نزدیک مثلی که اینجه ده سوت هال استند سه چهار گدواره نزدیک نزدیک اونجه نزدیک گدواره بودن. پنج شش گدواره بود اونجه پنج یا شش گدواره بود

ام ام ده شور بازار

نفر اول: باز او وقت همی اکثریت فامیل های سیک ها که در کابل بودن در شور بازار زندگی میکردن

باز همی گدواری کارته پروان او وقت بود یا پسان جور شد؟

12 ساله شار نو رفته بودیم شارنو اونجه گدواره، نفر دوم: پسان جور شد باز ما باد از شور بازار کم واری کلان شده بودم وا سال 10 خو نبود جای گدواره بود باز پسان باد از او کارته پروان رفتیم باز ده در مسال ام بود اونجه

خانم: از مه خو یاد است در مسال بوده ده کارته پروان بلی ها ما را یادم است باد از او تا که رفتیم کارته پروان باد از او تیار شده بود نو شده بود نو تیار شده بود

ده فکر نیست که او وقت نبوده بلی

نفر اول: باز ده همی زندگی مثلا خانه که داشتین در شور بازار ای خانه از بابا یا از پدر شما بود؟

نفر دوم: از پدر مه بود بلی پدر مه اونجه زندگی میکرده باز پسان فوت که شار نو رفتیم باز اونجه به کرایه گرفته بودم دوکان ما پل باغ عمومی کابل کار بار ما بزازی بود به کرایه میشستیم اونجه شارنو باد از او یک دو سال سه سال شارنو بودم باد از او کارته پروان رفتیم باز اونجه هفت هشت سال ده سال کارته پروان بودیم اونجه شستیم

نفر اول: باز همی دوکان که داشتین در مندوی بود؟ بلی... ده مندوی بود؟

نفر دوم: بلی مندوی مندوی بود پالوی دریا بود بسیار مشهور جای است شما شاید رفته باشین اوساحه

طرف های امی ... چی است... تیمورشاهی است؟

بلی بلی بلکل پشت سرما تیمور شاهی سینما بی رایت

منطقه او وقت یاد شما است که او وقت مندوی چطور بود مردمش؟ دکان ها چطور بود؟

بلی یادم است او وقت خوب بودن مردم خوب بودن مکتب ام ما میرفتیم رفیقای ما بودن همراهی ما گپ میزدیم یگان... بعضی دفعه جنگ میشد همراهیما باد از او اشتی میشدیم مقصد مثلی که طفلا میکنه ما خوش بودیم هوایش خوبیش بود بسیار خوبیش بود.

باز دکانداری چطور بود او وقت؟

دکانداری ما که بود صحنی بود بسیار اصلی در مندوی بودن بسیار کار بار بلکل صحنی بود

باز همی رخت از هند میاوردی؟ رخت از هند میاوردی همی تکه ره؟

نخیر نی مارکیتا بوده سرای شهزاده سرای هزارگل کلان کلان مارکیتا بودن سیک ها هم بودن مسلمانا هم بودن اونا باز از چاپان میامدن از از اونا باز ما میخریدیم باز ما به حساب قسط میدادیم هر دوشنبه و پنجشنبه اوگرای میبردن حساب میکنن چقدر مال آوردیم وخت پنجشنبه چهارشنبه میامدن اوگرای میگرفتن میرفتن ابطور. وا باز لوکه فروش بودن ما پرچون باد از مام نوشته میقدم فروش بودیم

نفر اول: باز مال قرض میگرفتی باز؟

نفر دوم: بعضی دغه نخت هم میگرفتم بعضی دغه به قسط هم میداد بر دوماه سه ماه استا استا باز میبردم دوران میکد باز همطو

نفر اول: باز او وقت زیاد همی سیک ها بسیار نام داشت در افغانستان ده همی کالای حکیمی دوا ی یونانی میدادن ... او وقت ای کارا را میکدین...؟

نفر دوم: بلی بلی ما نمیکدیم از ما برادر م بوده میشناسم ده جان بال ام بودن حکیمی ما میکنن میشناسم زیادی بسیاری نفر بزازی بودن 5 پرستنت یا 10 پرستنت حکیمی بودن باز صحنی حکیم بودن اوتارا مسلمان بسیار اکمال میکردن میرفتن بسیار خوب پول داشتن ده غزنی ام یک حکیمی بوده ده چاریکار ام حکیم بوده سردار, اورم کم میگرفتن چیزیکه باید میگرفتی بعضی ده غزنی بودن اوصحنی حکیم بوده داکتر چندتا دواخانه ام بودن از سردارا.

نفر اول: زندگی دخترا زنا چطور بود؟

نفر دوم: او وقت خوب بود بسیار خوب بود. شما هم مکتب رفتین؟ بلی بلی ما مکتب رفتیم درس خواندیم او وقت روزمادر میبود بسیار او وقت که ما بوده بعد از او باز ... نامش یادم رفت رجیم تبدیل چی شده باز اهسته, میشده ده درمسال پروگرام میبوده اهسته حالات خراب شد. وقت روس آمد او وقتم باز هم یک دوسال صحنی بود باز اهسته اهسته حالات خراب شد. باز زنا ی سیک... .

بعد از او اینا میگن ده 90 رفته بود افغانستان میگه او وقت یک ده سال باد رفته بودم میگه ابطور برما معلوم میشد خودشان زنا

نفر اول: چطور بود که پس رفتی در سال 90؟

نفر دوم: ما ابطور بوده که ما عروسی ما بسیار خورد تیر شد خورد عروسی کرده بودم بعد از او ما نرفته بودم چند سال باز یک { او وقت دیگه مه یگان دفعه یاد میکنم که مه فکر میکنم که مه کجا آمدیم اقدر تبدیل OH MY GOD چانس دیگه مه ده سال 90 رفتم } ابطور معلوم میشد که امیالی دیگه هر قسم مردم پیدا شده بودن فقد میخورن ادمه ایقسم نظر شان شده بوده او باز مه بازار رفتن نی چی شان یک هفته بودم دیگه هفته بودم بعد از او که باز ادمم مه بسیار گریان میکنم که کلی فامیل ما اونجه استه نی کلی فامیل ما اونجه بوده دیگه از طرف شوهر ما از خودما بسیار گریان میکنم که چی خاد شد چی قسم وا زندگی میکند باز یک دوبار همشیریم که شده بودی اینجه باز اونجه رفته تو باز که (strong) اینجه پیشم میبود تو نمیرفتی چرا رفتی حالی تو یک زره خوب صحنی شده بودی امدی بسیار کم زور شدی والله دلمه بسیار دیگه هر وقت که مادرم یادم میامد برادر م اونجه حالات که مه دیده امده بودم نی میگفتم که کجا چطور زندگی میکنه که همو وقت بود که چند وقت بادش مه ادمم یک دو سه ماه بادش دیگه حالات چی شد که کلی برآمد هند (باز مه روزانه درمسال میرفتم که از ما درمسال که استه oh my god. بسیار دیگه مه که یگان دغه الی ام فکر میکنم که) چهل هشت ساعت میگیره که کلی شه میخوانده نی باز هر روز روزانه مطلب یک 48 hour در Grand Son ما که استه Grand

Malopray (اکن مار میگن) او را میگم اکن مار میخواندن او را 48 ساعت که او پوره میشد دیگه 48 ساعت پوره میشد روزانه میکند اما ادسا ادسا میگم نی

I thinking که خداوند از ما دخترای ما فامیل ما شما با عزت شما نجات کنین که چون که حالات بسیار خطرناک بوده. به ای (اصلاح شود. does act as we can..... so because of that we had the protect us.

نفر اول: باز پیش از مشکل که شد همی مثلا نان سیک های افغانستان زیاد چی پخته میکند؟

است یا نی و allowed نفر دوم: نان ... ما خو آلی ده سال 1986 گوشت و غیره نمیخوریم و یجیترین شدیم پیش از او ما نمیفهمیدیم نیست به ای چی ما ... پیش از او ما میخوردیم گوشت میخوردیم ای چی بود.... بعد allowed وقت که ما کتاب ما خواندیم ای چی after then vegetarian on the this Indian, Indian food you know that Indian Panjabi food yeh all the so many things without meat.

نفر اول: اما در افغانستان چی پلو بود؟

نفر دوم: بلی بلی اونجه زیاد نبوده در خانه ما هفته یکبار شاید بلی بلی زیاد نی یا مثلا لوبیا....

آه بسیار چیزا اس بسیار زیاد ایقدر ده مارکیت که میریم ده مارکیت اینی مارکیت است صحتی استه نی

یک حصش مرغ گوشت استه صحتی استه نی حالی فکر کنین چقدر زیاد است که ما دیگه چیزا خورده میتانیم است نی چقدر و یجیتهیل است کاروت استه نچرل است خداوند ما را بسیار هر چیز داده.... (جمله انگلیسی نوشته شود)

باز از افغانستان هر بود جرمنی ...؟

بلی باد از او باز ما جرمنی چند سال ده جرمنی بودم چونکه اینجه انگلیسی بود باز فکر می کردیم دخترا ما کلان میشه باز ایتور نشه یکیش فرانس بره یکیش پولند بره یکیش کدام جای تبدیل شوه دیگه مثلا ما ده جرمنی بودیم برادر مه دیگه جای بود باز گفتم یکجا خوب است همینجه برویم ده لندن برویم طفلا ما اینا ام کلی ما یکجا شوه خوبتر استه.

نفر اول: باز اول چطور انتخاب کدی المان بروی اونجه خوش داشتین هامبورگ...؟

نفر دوم: پیش از او پیش از ما عرض کرده بودیم ما یک دغه امده بودیم ده 80 بود پیش از او 77 یا 76 یک دفعه او وقت راه ازاد بود شما ده بس امده بودین؟ از کابل تا جرمنی بس امده بودم

یک دفعه ما ده راه امده بودیم عروسی نکرده بودم امده بودم بار ده ایران مانده بودم باز ده ایران یک ما دو ماه کار کردم دیدم ما گفتم از اینجه کرده جرمنی خوبتر اس مردم میگفتن. باز کابل رفتم باز کابل چقه وقت باد باز امدم ده هامبورگ امدم. ده بس امدم مه همو یک رفیق ما اونجه باز یک سال باز بودیم.

کارکن دالتون کار می کردیم اونجه مثلا چی کار بود او وقت؟

ده او وخت کار ایچی خود بز نس نبود خود بز نس نبود به فکرش بودم ما از اونجه نوکری کار میکند ده هتل بانده شوی مثلا کار هشت نو ده یازده ماه کار کردم باز از فامیل ما خط آمد که خودت کابل بیا، می کردم هزار هزار یین بود هزار یین میگرفتم ماه بی عسکری هم بکو و بیا بیا شادی... عروسی ام کو عروسی شد باد از عروسی برامدم هندوستان باز ایسو امدم پیش از او مه یک دغه امده بودم.

نفر اول: باز ده هامبورگ اولین دفعه که رفته بودی او وقت دیگه دوستا داشتی از افغانستان یا او وقت افغانیا...؟

نفر دوم: او وقت افغانا میامد میرفتن ماشین میبردن تجارت میکند ما فکر تجاری بودم باز مه میگفتم باز یک چقدر وقت کار میکنم اونجه ده کابل خو بزازی بزازی بوده او وقت 17 ساله بودم و میخواستم خودما چیزی سرمایه پیدا کنم و همراهی تماس فامیل علایده باشه به او خاطر باز دیدم که مقصد پسان عسکر کرده پس امدم باز ما خودم به پای خودم ایستاد شدم اوتا ره فامیلی همونجه بودن 85 قبولی مه آمد، دکان هم بودم باز ما ده اینجه خود ما کار کردیم خود ما دکانداری شروع کردیم ده هامبورگ ده 81 ام نبود ده 84 ده جرمنی میگن. گرسیسری کار شروع کردم باد از او اهسته اهسته level metor ویزه مه آمد اجازه کار آمد و دکانداری شروع کردم برادر ام از هندوستان اهسته اهسته کار ما خوب برکت کد اول بیسمنت دکان گرفتیم باز پسان کار ما یک سال دو سال کم اسپایی یشد باز (جمله انگلیسی نوشته شود)

حالی ام امد مهتابی کان است ده پیشی استیشن است گاه وقت رفتین بروین مهتاب استور بگوین همراهی ما گپ زدین ما باز او را دادیم تسلیم کدم باز ما ایسو امدم

باز ما ایچی انداختم ... هتل...

باز ایطور است باد از او از همونجه 19 سال بود 2008 باز ایجه امدم یک سال ده خانه کرایه بودیم باد زا او کار کدم جرمنی کارخانه ام بود دوکانم بود ویر هوس گرفته بودم اوتا ره باز فروختم باز اینجه ترانسفر کدم اینجه یکماه گرفتیم خانه او وقت تقریباً از اونجه پول را ترانسفر کدم دولک یا سه لک روپه ما ربیستی داده بودم به جرمنی خط امده بود باز او را روان کدیم ده افغانستان حساب ما صاف شد کار کدیم 10 و 20 سال خوب کار کده بودم کورس هندل پرچون هم میگفتن.

نفر اول: باز او وقتیکه همو اول المان رفتی گفتی ایران هم بودی دوماه...؟

نفر دوم: ایران پیش از او یک ماه بودم اونجه در کار بودم ده کارخانه کار کردم کارخانه ترشی سازی بود یک ماه کار کردم باز مردم گفتن جرمنی خوبتر اس باز کابل رفته باز او وقت دیگه رقم رفته بودم

پاسپورت نبوده باز ده زرنج امدم باز افغانستان رفته پاسپورت ساخته باز ایجه امدم.

نفر اول: باز همی دید ان که بودی اونجم سیک بودن ده درمسال

نفر دوم: ها اونجه درمسال بود سیک بودن درمسال میرفتم میامدم همو ترشی سازی از سیک نبود؟ نی از ایرانی بود هموچایکه کارکردی نی او ایرانی بود باز درمسال میرفتم پهلویش درمسال بود شب ده درمسال مییایدم باز خاطر یک ماه امدم زیاد نبودم جای کرایه میکدم بعد از یک ماه باز گفتم باز میروم کابل باز کابل پاسپورت را تیار کرده باز جرمنی امدم او وقت 19 بس امده بودم المان ویژه ضرور شود همو وقت روان میکد.

نفر اول: بسیار تشکر باز همی عسکری چطور بود برای شما؟

نفر دوم: عسکری از سردار که بودن صبحکی میرفتیم هشت بجه چهاربجه پس میامدم ده خانه اجازه بوده برشان معلوم است که سردار او وقت آلی هم است ده خانه میامد باز ده عسکری باز ما شش ماه که عسکری کدم در میدان بودیم تفتیش امده که موتر کی یاد میگیره باز مه دست خوده بلند کدم یک ما یک دیگه در شش ماه موتر یاد گرفتیم و لیسنس گرفتیم باز او وقت یگان روز دیر دیر میرفتم یگان دفعه خاطر ماشین اونجم سایمنصب ها نی ما را روان میگردن خانای الودهندوا شب اونجه باشین بسیار خوب همراهی ما رابطه داشتن افغانیا مسلمانا سردار میبود سردار ره قدر عزت میکدن.

نفر اول: همی یگان وقت با همو پیشی سیک های خوست هم رفته بودید میگن یک قریه بنام هندو کلی رفته بودی؟

نفر دوم: بلی بلی در عسکری خوستم رفته بودم ماشین برده بودیم باز از اونجه خوست یک باردر است باردر پاکستان اونجه رفته باز اونجه ده قشله افغانب او قشله سایمنصب گفت اینجه شب جای نیست میشناختن اهل هندو را باز مره همراهی یک عسکر روان کد اونجه شو باشم رفتیم اونجه شو نامش یادما نیست... رفتیم ده اونجه (منیکن)

نفر اول: زندگی ازینا چطور بود ؟

نفر دوم: خوب بود زندگی خوب بود اونجه درمسال بوده زندگی خوب میگردن افغانیا

آه.... چی میگن هر چیز که بود نی او وقت صحی زندگی بوده کسی غریب ایچی نبوده کسی مثلاً ما که در هند میبینیم بدلاک میکنند اونجه ای چیزا نبوده کلی شان صحی بوده خوراک شان بوده کار بار شان بوده او وقتا زندگی صحی ره دارن.

باز پسان بلی باز پسان چون در اخر بسیارمردم فیک زندگی مشکل داشتن.

بلی بلی آلی هم چند سال پیش حمله شده در جلال اباد حمله کردن همراهی ده درمسال پروگرام بوده به حساب بود نی چند نفر شهید شده باز آلی هم در گدواره ابورحری در کارته پروان حمله کرده یک سال پیش بسیار حالات خراب شد بسیار زیاد.

ما خوست نی لشکرگاه رفته بودیم لشکرگاه باز از پشتانه است اونجه باز مره سایمنصب کده کتی یک نفر او وقت شو وقت شام نان بود بدون نان کسی رفته نمیتانست نان شب بود عسکر ما ره گفت کتی عسکر ما ره روان کد ده خانه هندوا ببره اونجه باشین صبحکی بیایه.

اونجه ما ده کابل ام هشت صبح میرفتیم چهار بجه باز خانه میامدم او واره باز چند بودن او مسلمانا اونجه میباشن ما باز مارا رخصت میکنند

از او لشکرگاه بوده که باز خانه یک شو خانه اونجه نان خوردیم آرام کدم باز صبحکی باز خیسته امدم شب که رفته بودم ده راه عسکر دریش کده بود دریش میفهمی دریش کد

باز او کتی عسکر بود او نان شبه داد باز گفت برین صحیست

خو بسیار تشکر بسیار زیاد قصه های جالب